



بررسی اجرای تدابیر اقتصاد اسلامی و پیشگیری جامعه‌مدار از جرایم اقتصادی

رستم علی اکبری*، یاسر شاکری^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

تدابیر پیشگیرانه از جرم، بهترین برنامه‌ای است که دولت‌ها می‌توانند به منظور کاهش نرخ جنایی طراحی و اجرا کنند؛ در این میان، با توجه به اهمیت و درجه تأثیرگذاری منفی جرایم اقتصادی، در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی یک جامعه، لزوم به‌کارگیری سیاست‌های پیشگیرانه، درخصوص مبارزه جدی با این قبیل جرایم، دارای اهمیت و ضرورت خاصی است؛ بدون تردید، از مهم‌ترین و بهترین راه‌های مبارزه با انحرافات مالی و جرایم اقتصادی در سطوح مختلف، اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی در جهت پیشگیری از وقوع چنین جرایم و مفاسدی است؛ به‌عبارت دیگر، جلوگیری و پیشگیری از وقوع انحرافات و ارتکاب جرایم اقتصادی، بر مبارزه با مرتکبان آن‌ها مقدم است. لزوم اجرای سیاست‌های اقتصاد اسلامی و بازشناسی اصول آن بر مبنای قرآن کریم، ارائه سه رویکرد کلی و پیشگیرانه قرآنی، مبتنی بر نگاه به دیروز، امروز و فردای یک جامعه، در عرصه سیاست‌گذاری‌های کلان پیشگیری از جرم، با عنوان زمینه‌سازی، فضا سازی و فرهنگ‌سازی قرآنی نیز، از دیگر یافته‌های اساسی به‌منظور پیشگیری از جرایم اقتصادی، در پژوهش حاضر می‌باشد؛ همچنین در انتها، با بیان منظر و استدلالی مفهومی نسبت به دو موضوع ایمان و تقوا، به بررسی برخی سازوکارهای پیشگیری موقعیت‌مدار از جرایم اقتصادی، پرداخته شده است. روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت مطالعه توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش اسنادی می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل: rostamaliakbari.phd@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۷/۱۴۰۰

تاریخ ویرایش: ۱۹/۰۸/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۱/۰۹/۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۰۱/۰۱/۱۴۰۱

واژگان کلیدی:

اقتصاد اسلامی، جرایم اقتصادی، پیشگیری موقعیت‌مدار، تدابیر پیشگیرانه.



مقدمه

امروزه مبارزه با جرایم و مفسد اقتصادی در عرصه ملی و بین‌المللی دارای جایگاه خاص و منحصر به فردی است؛ اگرچه این موضوع دارای دلایل مختلفی است، اما شاید مهم‌ترین دلیل در این خصوص، نقش اساسی و بسیار مهمی باشد که اقتصاد در زندگی امروز بشر ایفا می‌کند؛ به طوری که شاید بتوان چنین گفت که در جهان امروز و در قرن حاضر، رگ حیات کشورهای پیشرفته و مدرن، اقتصاد است؛ به همین دلیل کارشناسان مختلف چنین معتقدند که توسعه اقتصادی، نسبتی مستقیم با پیشرفت و توسعه جوامع در کشورهای مختلف دارد. اما یکی از مشکلات اساسی در عرصه اقتصادی جوامع مختلف، انحرافات، تخلفات و جرایمی است که در این حوزه اتفاق می‌افتد؛ و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در توسعه یا عدم توسعه اقتصادی یک کشور، اثرگذار می‌باشد. از این رو برخورد با این‌گونه انحرافات و جرایم در بیشتر کشورها، از نهایت اهمیت برخوردار است. در همین زمینه علم حقوق نیز براساس رسالتی که ذاتاً برعهده دارد، می‌بایست با پیش‌بینی تدابیری کارشناسانه، وظیفه مهم خود را در جهت شناخت علل و عوامل، راه‌های پیشگیری و در نهایت مقابله با این‌گونه جرایم در جوامع مختلف عهده‌دار باشد. بدون تردید، از مهم‌ترین و بهترین راه‌های مبارزه با انحرافات مالی و جرایم اقتصادی در سطوح مختلف، اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی در جهت پیشگیری از وقوع چنین جرایم و مفسد است؛ به عبارت دیگر، جلوگیری و پیشگیری از وقوع انحرافات و ارتکاب جرایم اقتصادی، بر مبارزه با مرتکبان آن‌ها مقدم است. براساس همین نگاه، ما تا به حال سیاست‌ها، تدابیر و روش‌های پیشگیرانه مختلفی را چه به لحاظ پیشگیری اجتماعی و چه به لحاظ تدابیر پیشگیرانه وضعی از جرایم و مفسد اقتصادی، در کشور ایران به کار گرفته‌ایم؛ اما به حسب قرائن، ظاهراً تاکنون به نتایج چندان قابل توجهی دست نیافته‌ایم. از طرفی، ما اعتقاد داریم که دین اسلام کامل‌ترین ادیان است؛ و مذهب تشیع، همان اسلام حقیقی است. قوی‌ترین تفکر نسبت به عالم و آدم را اسلام معرفی می‌کند، بهترین مقصد در اسلام تبیین شده است و بهترین مسیر و روش حرکت در مسیر به سوی مقصد را، اسلام ارائه می‌نماید؛ ولی در عمل نتوانسته‌ایم استفاده قوی‌ای از دین اسلام و از مذهب تشیع و از قرآن و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام داشته باشیم. این موضوع، هم در

منادیان فرهنگ ما، هم در مجریان فرهنگ و هم در بهره‌برندگان از فرهنگ ما نمود دارد. از این رو با توجه به همین موضوع، یعنی اعتقاد صحیح ما مسلمانان نسبت به اینکه قرآن کریم کامل‌ترین کتاب برای هدایت انسان‌ها به سوی بهترین مسیرها و والاترین مقصدهاست، به نظر می‌رسد که در زمینه پیشگیری از انحرافات و جرایم اقتصادی نیز بتوانیم راهکارهایی مهم، اساسی و کاربردی از درون قرآن کریم، شناسایی کرده و به جامعه عرضه کنیم. در واقع، ما در این تحقیق به دنبال این هستیم تا دریابیم که در حوزه پیشگیری از جرایم اقتصادی، قرآن کریم چه راهی را معرفی می‌کند؟ و در نهایت خود و سیاست‌هایمان را بسنجیم تا ببینیم که آیا تعالیمی که در جامعه رواج دارد به این سو، می‌باشد یا خیر؟ پیشگیری جامعه‌مدار یکی از شاخه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم است. در این شاخه از پیشگیری اجتماعی، همان‌گونه که از عنوان آن برمی‌آید، به دنبال هدف قرار دادن عوامل اجتماعی جرم‌زا (و انحراف‌زا) در یک جامعه معین و در نهایت اصلاح یا خنثی‌سازی آن عوامل هستیم؛ به عبارت دیگر، با مجموعه اقداماتی که در راستای اعمال سیاست‌های پیشگیرانه جامعه‌مدار به مرحله اجرا گذاشته می‌شود، تلاش می‌گردد تا زمینه‌هایی که در عرصه اجتماعی سبب بروز و ظهور انگیزه‌های منحرفانه و مجرمانه می‌شود را برطرف کرد. برای مثال، با برنامه‌ریزی صحیح در حوزه مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان، اگر بتوانیم با آگاهی‌بخشی به افراد جامعه نسبت به مضرات و لطمات ناشی از اعتیاد به مواد مخدر یا روان‌گردان قدمی مثبت برداریم، افراد جامعه از آلوده شدن به این مخدرات خودداری خواهند کرد. در همین زمینه شایان ذکر است که این حقیقت را نمی‌توان نادیده گرفت که گونه‌های بزه‌کاری در هر کشور، سیاست‌های کلان آن جامعه را منعکس می‌کند. به بیان دیگر، جرایم رایج در یک جامعه، آینه تمام‌نمای ماهیت سیاسی - اقتصادی آن جامعه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۲۳)؛ در نتیجه، چنانچه شاهد افزایش بزه‌کاری اقتصادی در ایران هستیم. بدون تردید این موضوع، ناشی از سیاست‌های کلان ما در حوزه اقتصادی است و از این منظر می‌بایست ریشه ارتکاب جرایم اقتصادی در ایران را در سیاست‌های نظام اقتصادی ایران جستجو کرده و با اصلاح این سیاست‌ها و اجرای تدابیر صحیح اقتصادی، زمینه وقوع این‌گونه جرایم را به حداقل برسانیم. سازمان ملل نیز با اعتقاد به تأثیرگذاری عوامل اجتماعی بر

شخصیت افراد، اقدام‌های سالم‌سازی اجتماعی را، نتیجه‌بخش‌ترین اقدام‌ها به‌منظور کاهش احتمال بزه‌کاری به‌شمار می‌آورد (بابایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

۱- شیوع حرام‌خواری در وضع موجود اقتصادی

در نظام اقتصادی فعلی ایران، شاهد آن هستیم که نه تنها کسب رزق حلال به‌عنوان یک ارزش، در میان افراد جامعه ترویج نمی‌شود، بلکه حرام بودن مال، دیگر به‌عنوان یک ضدارزش چندان مطرح نیست؛ و کسب مال حرام از طریق ارتکاب انواع انحرافات و جرایم مختلف مالی و اقتصادی، در نظر برخی افراد جامعه، دیگر قبح خود را دارد از دست می‌دهد. مالی که از طریقی نامشروع و باطل، مانند ارتکاب جرم به‌دست می‌آید، براساس قواعد فقهی و اسلامی مالی "حرام" محسوب می‌شود. بدیهی است که راه‌های تحصیل مال حرام محدود به ارتکاب جرم نیست؛ یعنی چه‌بسا افراد جامعه بدون ارتکاب جرمی خاص، اقدام به تحصیل مال حرام کنند. در این صورت، شاید حسب مورد رفتار آن‌ها مشمول قواعد حقوق خصوصی و یا سایر قوانین و مقررات و نظامات دولتی (تخلف) قرار گیرد. اما نکته قابل‌تأمل در این باره، آن است که امروزه در جامعه ایران نه تنها تحصیل مال حرام از طریق ارتکاب انواع جرایم رو به افزایش است، بلکه وقتی اندکی در رفتار افراد مختلف در جامعه مذهبی ایران دقیق می‌شویم، به‌وضوح درمی‌یابیم که برای بسیاری از افراد، حرام‌خواری و کسب رزق حرام (دانسته یا نادانسته) و بدون ارتکاب جرم امری چندان مذموم و قبیح محسوب نمی‌شود! بلکه صرف به‌دست آوردن مال یا افزودن به اموال و اصطلاحاً ثروت‌اندوزی (حال به هر شکل و از هر طریقی) خود به‌عنوان یک ارزش شناخته می‌شود و به‌ظاهر یکی از مهم‌ترین ارزش‌هاست؛ حال آنکه تحصیل مال حرام یعنی دقیقاً رفتاری مخالف با آموزه‌های قرآن کریم (بقره/۱۶۸؛ مائده/۸۸؛ انفال/۶۹). ارتکاب روزافزون جرایم اقتصادی در سطوح مختلف جامعه و تمایل هرچه بیشتر افراد به تحصیل و کسب مال بیشتر، ولو با استفاده از روش‌های غیرقانونی و نامشروع، و همچنین تأثیر منفی و چشم‌گیر ارتکاب این‌گونه جرایم بر رشد و توسعه اقتصادی کشور، سال‌هاست که توجه مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران را نیز به سمت ضرورت مبارزه با این‌گونه جرایم جلب کرده است؛ به‌طوری‌که درحال حاضر تقریباً تمامی مسؤولان رده بالای کشوری در تمامی دستگاه‌ها بر اهمیت و ضرورت این امر اتفاق نظر دارند؛ از طرفی

چنین مفاسدی است؛ درحال حاضر برخی قوانین در این خصوص وجود دارد که با مراجعه به آن‌ها درمی‌یابیم که قانون‌گذار ایران، این قوانین را به‌عنوان ابزارهایی در جهت پیشگیری از وقوع مفاسد اقتصادی و مالی وضع کرده است. با این وجود، در این زمینه، نکته‌ای تأمل‌برانگیز به‌نظر می‌رسد و آن اینکه چرا با وجود سال‌ها تأکید و اتفاق نظر مسؤولین نظام^۱ و به‌کارگیری اندیشه اندیشمندان و متخصصان صاحب‌نظر در این حوزه، همچنان شاهد وجود و شیوع حرام‌خواری از طریق وقوع انواع انحرافات، جرایم و مفاسد اقتصادی هستیم؟ و از آن عجیب‌تر اینکه، صرف‌نظر از ارتکاب جرایم اقتصادی در جامعه و تحصیل مال حرام توسط برخی اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی)، چرا در میان اقشار مختلف جامعه ایران در سطوح گوناگون، تحصیل مال از طرق نامشروع (تحصیل مال حرام) رو به افزایش است؟ چرا با وجود تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بر مبارزه با ریشه‌های مفاسد اقتصادی و مالی تا خشکانیدن آن‌ها،^۲ ما همچنان درخصوص پیشگیری از ارتکاب این‌گونه جرایم، به موفقیت چشم‌گیری دست نیافته‌ایم؟ درحالی‌که ما تا به‌حال براساس نظر صاحب‌نظران متعددی در این حوزه، روش‌های پیشگیرانه مختلفی را (چه به‌لحاظ پیشگیری وضعی و چه به‌لحاظ تدابیر پیشگیرانه فردی و اجتماعی از مفاسد اقتصادی) به‌کار گرفته‌ایم؛ با این وجود چرا به نتایج چندان قابل‌توجهی دست نیافته‌ایم؟

به یقین، یکی از حساس‌ترین و خطرناک‌ترین جرایم برای نابودی کامل یک نظام، جرایم اقتصادی است؛ زیرا این‌گونه جرایم نه تنها به‌لحاظ اجتماعی، تأثیر منفی چشم‌گیری بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها به‌جای می‌گذارند، بلکه به‌لحاظ فردی نیز، خود مجرم را از درون به‌سوی فساد و تباهی بیشتر سوق داده و در نهایت موجب نابودی کامل او و فرزندان و نسل او می‌شوند؛ چراکه مال ناشی از جرم (ازجمله جرایم اقتصادی)

^۱ برای مثال می‌توان به فرمان ۸ ماده‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ اشاره کرد که طی آن، سران قوای سه‌گانه و ارگان‌های نظارتی تابعه را به مبارزه جدی و قاطع با فساد اقتصادی و مالی مکلف فرمودند. رک:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content3062>

^۲ خشکانیدن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه به‌وسیله قوای سه‌گانه به‌خصوص دو قوه مجریه و قضائیه است. برای اطلاعات بیشتر رک: فرمان ۸ ماده‌ای رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۱ به سران قوای سه‌گانه و ارگان‌های نظارتی تابعه درخصوص مبارزه جدی و قاطع با فساد اقتصادی و مالی.

مالی حرام محسوب می‌شود که با اثر بسیار عمیق منفی، در روح، جسم و سایر ابعاد شاکله و شخصیت انسان‌ها، افراد یک جامعه و بلکه خود جامعه را به سمت انحطاط کشانیده و در آتش تباهی و فساد روزافزون خواهد سوزاند. از طرفی به لحاظ منطقی مبتنی بر استدلال عقلانی می‌دانیم که اقتصاد سالم، اقتصادی است که محصول آن نیز سالم باشد، در صورتی که وقتی به محصول نظام اقتصادی رایج در جامعه ایران و بلکه در جامعه جهانی نگاه می‌کنیم، خروجی این اقتصاد فسادهای کلان اقتصادی! کاخ‌نشین شدن برخی افراد در جامعه و کوخ‌نشین شدن عده‌ای دیگر است! ثروتمندتر شدن ثروتمندان جامعه و فقیرتر شدن فقیران جامعه است! و در مجموع، محصول اجرای سیاست‌های نظام اقتصادی ما، افزایش جرایم مالی و اقتصادی است؛ در چنین فضایی شاهد آن هستیم که فقیر، برای رفع فقرش اقدام به ارتکاب جرم می‌کند و ثروتمند، برای رسیدن به اموال بیشتر و ثروت‌های جاودانه! مرتکب جرم شده و خون مالی جامعه و بیت‌المال را می‌مکد! به عبارت دیگر، از منظر جرم‌شناسی، در شرایط کنونی اقتصاد ما، آنچه مشهود به نظر می‌رسد این است که کسب رزق حلال به عنوان یک ارزش، در میان افراد جامعه کم‌رنگ شده و در مقابل، کسب مال حرام از طریق ارتکاب انواع انحرافات و جرایم مختلف مالی و اقتصادی به طور علنی یا غیرعلنی (مکشوف یا غیرمکشوف)، در نظر برخی افراد جامعه، دیگر یک ضدارزش نبوده و قُبُح خود را از دست داده و یا دارد از دست می‌دهد. در صورتی که با توجه به آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که قرآن، به معرفی و تبیین نظامی در حوزه اقتصادی می‌پردازد که محصول آن از بین رفتن حرام‌خواری و در نتیجه کاهش ارتکاب انحرافات مالی و جرایم اقتصادی است. یعنی قرآن کریم، در زمینه سیاست‌های پیشگیری جامعه‌مدار از جرایم اقتصادی و جلوگیری از به وجود آمدن چنین وضعیتی در سطح جامعه، راهکارهای مهمی را معرفی و عرضه می‌کند؛ به طوری که شناخت دقیق و اجرای صحیح این رویکردهای قرآنی در عرصه اجتماعی، در یک بازه زمانی اثرات شگفت‌انگیز و پیشگیرانه خود را نشان خواهد داد. یکی از اساسی‌ترین سیاست‌های پیشگیرانه قرآنی در این زمینه، به ارائه و تبیین مدل اقتصاد اسلامی مربوط می‌شود. در اقتصاد اسلامی تبیین شده در قرآن کریم، نه تنها مدل اقتصادی، خود سالم‌ترین و کامل‌ترین نوع نظام اقتصادی است، بلکه محصول اجرای این مدل در فضای جامعه، کاهش ارتکاب انحرافات و

جرایم اقتصادی از طریق گسترش تحصیل رزق حلال توسط افراد آن جامعه خواهد بود؛ به طوری که با اجرای دقیق چنین مدلی از اقتصاد، باید شاهد از بین رفتن و یا حداقل کاهش حرام‌خواری (به‌ویژه از طریق ارتکاب انواع انحرافات و مفاسد مالی و ارتکاب انواع جرایم اقتصادی) توسط افراد جامعه باشیم؛ در حالی که در حال حاضر، به نظر شاهد آن هستیم که محصول اجرای سیاست‌های مدل اقتصادی کنونی، افزایش ارتکاب جرایم مالی و به‌ویژه مفاسد اقتصادی است؛ و در چنین فضایی، افراد جامعه خودآگاه یا ناخودآگاه به سمت ارتکاب انحرافات مالی و جرایم اقتصادی سوق داده می‌شوند. پرسش اصلی این است که چرا در نگاه افراد مختلف جامعه، ارتکاب انحرافات اقتصادی و حرام‌خواری از این طریق (به صورت عمدی یا غیرعمدی) دیگر قُبُح چندانی ندارد؟ مگر آموزه‌های ما قرآنی نیست؟ مگر اقتصاد ما اسلامی نیست؟ پس چه اتفاقی افتاده و یا در حال اتفاق افتادن است که محصول آن در جامعه و در فضای اقتصادی ایران چنین چیزی است؟ مگر محصول سیاست‌های اقتصادی ما که برگرفته از اقتصاد اسلامی ما می‌باشد، نباید اجتناب مردم از تحصیل مال حرام باشد؟ پس چرا در جامعه ایران شاهد افزایش روزافزون گرایش افراد مختلف، در سطوح بالا و پائین و جایگاه‌های متفاوت، به تحصیل مال حرام از طریق ارتکاب جرم و یا هر طریق دیگری هستیم؟ ریشه این پدیده بسیار خطرناک برای حیات فرد و جامعه، چیست؟ و چگونه می‌توان با شناخت بنیان و اساس بروز و گسترش این پدیده شوم و اتخاذ سیاستی صحیح، اقدام به اصلاح ریشه‌ای وضع موجود و پیشگیری از نتایج مخرب این ماجرا در آینده نمود؟

۲- کاهش جرایم اقتصادی، محصول اجرای صحیح مدل اقتصاد اسلامی

شهید مطهری، در خصوص تبیین اقتصاد اسلامی، چنین می‌فرماید که: «اقتصاد سالم یعنی اقتصاد قائم به ذات و بی‌عیب و غیرقائم به غیر» (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱). این جمله نه تنها بیانگر نگاه شگرف و بسیار دقیق ایشان به مقوله اقتصاد و عواقب آن می‌باشد، بلکه حداقل به این معنا است که یک نظام اقتصادی، هم می‌تواند سالم و سازنده باشد و هم می‌تواند ناسالم و مخرب باشد؛ بدیهی است که اگر اقتصادی سالم و سازنده بود، آن جامعه‌ای که در این فضای اقتصادی سالم ارتزاق می‌کند نیز، سالم خواهد بود. اما برعکس، یک نظام اقتصادی ناسالم، اگرچه

مراجعه کنیم؟ حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا اقتصاد مبتنی بر نگاه غرب، اقتصادی ناسالم و مغایر با نظام اقتصاد اسلامی بوده و (به تبع) جرم‌زاست؟ مگر اقتصاد رایج و جاری در ایران اسلامی، همان اقتصاد اسلامی نیست؟ و اگر نیست، پس اساساً مدل اقتصاد اسلامی چیست؟

۳- بررسی دو مدل اقتصاد غیراسلامی و اقتصاد اسلامی با رویکرد پیشگیرانه

۳-۱- تعریف علم اقتصاد غیراسلامی

«دانش اقتصاد در غرب، برای نخستین بار هم‌زمان با چاپ کتاب ثروت ملل آدم اسمیت در سال ۱۷۷۶ میلادی به صورت یک علم جداگانه یعنی جدا از مذهب و سیاست درآمد؛ و روش بررسی علم اقتصاد به صورت یک روش علمی مطرح شد» (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳۸). از آن پس، صاحب‌نظران مختلفی در حوزه علم اقتصاد و هر کدام بر حسب زاویه نگاه و نوع تبیین خویش، اقدام به ارائه تعریفی از اقتصاد کرده‌اند؛ این موضوع چنان چشم‌گیر است که ساموئلسن اقتصاددان بزرگ جهان بر این اعتقاد می‌باشد که تعریف علم اقتصاد به گونه‌ای است که اگر محقق یک ساعت در گوشه کتابخانه‌ای مجهز، به مطالعه اقتصاد بپردازد، می‌تواند صورت این تعاریف را در یک ساعت به چند برابر افزایش دهد (قدیری اصلی، ۱۳۷۲: ۲۱). با این وجود، به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان از جمله اقتصاددانان ایرانی نقطه مشترک تمامی تعاریف علم اقتصاد را می‌توان در یک جمله و به این صورت بیان کرد که علم اقتصاد یعنی "تخصیص منابع محدود به خواسته‌های نامحدود". به عبارت دیگر، بررسی روش‌های مختلف با هدف به‌کار بردن منابع کمیاب و محدود جامعه، برای تولید انواع کالاها و خدمات در جامعه به منظور ارضا و تأمین هرچه بیشتر و بهتر خواسته‌ها و نیازهای نامحدود افراد جامعه، در علم اقتصاد صورت می‌گیرد (نخعی اغمیونی و نجارزاده، ۱۳۸۲: ۹۲). تعریف اخیر علم اقتصاد که به نظر می‌رسد از تعریف ساموئلسن الهام گرفته شده است، به عنوان تعریف علم اقتصاد، توسط اقتصاددانان ایرانی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. بنابراین مقداری به تحلیل عناصر موجود در این تعریف می‌پردازیم.

۳-۱-۱- عناصر موجود در تعریف علم اقتصاد

مهم‌ترین عناصری که در تعریف علم اقتصاد به چشم می‌خورد، نخست "محدود بدون منابع" و دوم "نامحدود بودن خواسته‌های

در ظاهر موجب ثروتمند شدن افراد جامعه باشد، ولی در واقع مخرب جامعه و افراد درون آن جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر جامعه‌ای دارای یک نظام اقتصادی سالم باشد، به دلیل به دست آوردن رزق حلال ناشی از اجرای آن مدل اقتصادی توسط افراد آن جامعه، در بسیاری از زمینه‌ها، جامعه، جامعه‌ای سالم بوده و انحرافات و ارتکاب جرایم گوناگون در سطوح مختلف آن جامعه، بسیار ناچیز و کم‌رنگ خواهد بود؛ برعکس، اگر در جامعه‌ای، شاهد افزایش انحرافات مختلف و همچنین افزایش بی‌رویه جرم و جنایت باشیم، می‌بایست ریشه اصلی و اساسی بروز و افزایش چنین انحرافات و جرایمی را در نظام اقتصادی آن جامعه و عیوب موجود در چنین اقتصادی جستجو کرد؛ چراکه نتیجه اقتصاد ناسالم، افزایش لقمه‌های ناپاک و حرام بوده و نتیجه خوردن مال حرام توسط افراد یک جامعه نیز، کم‌رنگ شدن ارزش‌های الهی در منظر افراد آن جامعه و گسترش بی‌حد و حصر فساد در همه زمینه‌ها و سرانجام نابودی کامل آن جامعه به لحاظ ارزش‌ها خواهد بود. در واقع حرام‌خواری توسط افراد یک جامعه، همچون آتشی در درون آن‌ها خواهد بود (نساء/۱۰) که از درون، نخست افراد جامعه و دوماً خود آن جامعه را در آتش انحرافات مختلف و فساد و تباهی روزافزون و غیرقابل کنترل، خواهد سوزاند. از این رو با توجه به اهمیت حیاتی این موضوع، شهید مطهری با توجه به آموزه‌های اسلامی و قرآنی، بسیار تأکید داشتند که یک «جامعه باید بنیه اقتصادی سالمی داشته باشد» (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱)؛ و در همین زمینه معتقد بودند که یک اقتصاد سالم و بی‌عیب، غیرقائم به غیر است. بنابراین، فقط اقتصاد اسلامی است که دارای پایه و اساسی سالم و بنیانی صحیح و دقیق می‌باشد، نه اقتصادی برگرفته از اقتصاد آزاد که بنیان آن، براساس نگاه دانشمندان غیراسلامی به وجود آمده باشد. از این رو از آنجا که تاکنون نظرات متخصصان مختلفی را در این خصوص به بوته آزمایش گذاشته‌ایم و نتیجه آن نیز، وضعی است که شاهد آن هستیم و همچنین با توجه به اینکه ما مسلمان هستیم و اساس برنامه‌ریزی‌هایمان در مسائل مختلف باید براساس اصول عرضه شده در قرآن کریم باشد، آیا بهتر نیست درخصوص شناخت دقیق مدل اقتصاد اسلامی و سپس به‌کارگیری صحیح تدابیر الهی، به منظور پیشگیری از ارتکاب جرایم و مفسدات اقتصادی، در قلمرو حاکمیت ایران که یک کشور اسلامی (با حکومتی اسلامی) است نیز، به قرآن کریم

انسان‌ها" است؛ و هنر علم اقتصاد، چگونگی اختصاص دادن این منابع محدود، به نیازها و خواسته‌های نامحدود و بی‌نهایت انسان‌هاست.

۳-۱-۱-۱- منابع محدود

پس از رنسانس در قرن ۱۴ میلادی، مدل تمدن مرکزی اروپا به‌وسیله ریزون، سر و سامان گرفت. حتی شناخت میراث معنوی الهی، موضوع برخی ریشه‌یابی‌های دقیق شده بود. در علم، تئوری تغییر و تکمیل دوره‌ای هوش انسان و در سیاست، ترویج دموکراسی و تبدیل شدن آن به یکی از ساختارهای تشکیل دولت‌ها به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی، تغییرات زیادی را در زندگی انسان به‌وجود آورد. همچنین ماتریالیسم سکولار نیز، اقدام به جایگزینی معنویت الهی با تئوری کرد که طبق آن زندگی انسان محدود به ارضای نیازهای بنیادی او بوده و در آن هیچ اعتقادی به جهان پس از مرگ و عالمی، وراثی عالم مادی وجود نداشت. علم اقتصاد در غرب نیز زائیده همین دوران (یعنی حدود سال ۱۷۷۶ هم‌زمان با چاپ کتاب ثروت ملل آدم اسمیت) می‌باشد. به همین دلیل است که از نگاه مادی علمای اقتصادی غرب، تنها منبعی که برای تأمین خواسته‌های انسان‌ها وجود داشت، محدود به کره خاکی یا همان کره زمین بود و با توجه به پایدار نبودن این منابع و پایان‌پذیر بودن منابع موجود در زمین، چنین نتیجه گرفتند که منابع موجود در اقتصاد، محدود است.

۳-۱-۱-۲- خواسته‌های نامحدود

همان‌گونه که گذشت، اروپا در دوره بعد از رنسانس به سمت عقاید و باورهای انسان‌محورانه (اومانیسم) و برتری انسان متمایل شد؛ و به‌طور کلی در این عقاید، ابزار اصلی دانش، علت‌ها بود و نه روابط الهی. به این ترتیب همه امور از کتب مقدس گرفته تا دانش سکولار، نجوم، جغرافی، پزشکی، فلسفه و ... به‌صورت تجربی و آزمایشی شکل داده و معنا شد؛ تا جایی که این اعتقاد شکل گرفته و گسترش پیدا کرد که هیچ چیزی وجود ندارد، مگر اینکه با یکی از حواس پنج‌گانه انسان احساس شود! متفکران اندیشه اومانیسم به‌صراحت از فردگرایی، نفع شخصی و انسان‌محوری در عقاید خود سخن گفتند و با رشد این‌گونه اندیشه‌ها "انسان، محور ارزش‌ها قرار گرفت". در واقع، براساس اندیشه اومانیسم، همه چیز از انسان شروع می‌شود و به انسان نیز ختم می‌شود! علم اقتصاد نیز در چنین فضایی

پیدایش یافت؛ و تحت تأثیر شدید فضای فکری موجود، اقتصاددانان آن زمان نیز، اقتصاد را در راستای برآوردن نیازها و خواسته‌های نامحدود انسانی تصور می‌کردند. از این رو شاهد آن هستیم که در مباحث اقتصادی و در شکل‌گیری معناشناسی علم اقتصاد، مفاهیمی همچون فردگرایی و نومیالیسم به‌وجود آمده و افرادی همچون آدم اسمیت با طرح اقتصاد سیاسی کلاسیک، از آزادی فردی و نفع شخصی دم می‌زنند. بدیهی است که وقتی انسان، محور ارزش‌ها باشد! برآوردن خواسته‌های او، هرچند که این خواسته‌ها نامحدود یا نامشروع باشد نیز، ارزش اصلی محسوب خواهد شد.

۳-۱-۱-۳- اقتصاد رایج، اقتصادی ناسالم

اقتصادی که ریشه و بنیان آن بر برآوردن خواسته‌های نامحدود و بی‌نهایت نفس انسانی بنا شده باشد، از اساس زیر سؤال است! چراکه اصولاً «نفس انسان تمایل به زشتی‌ها، نادرستی‌ها و گسترش فساد و فحشا دارد» (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴: ۸۲)؛ علاوه‌بر آن، نفس آدمی، بی‌افسار بوده و سیری‌ناپذیر است؛ بنابراین بدیهی است که چنانچه نفس انسان در پی کسب مال و ثروت باشد، هیچ وقت سیری نخواهد پذیرفت؛ و چه‌بسا در راه رسیدن به مقصود خویش، از دست زدن به هیچ جرم و جنایتی فروگذار نباشد. کما اینکه امروزه شاهد آن هستیم که در بسیاری موارد بزرگ‌ترین سرمایه‌داران جهان، بزرگ‌ترین مجرمان اقتصادی در جهان نیز هستند. از منظر قرآن کریم، این نفس اماره انسان‌ها است که سرکشی کرده و آن‌ها را به‌سوی ارتکاب خطا، گناه و جرم فرا می‌خواند (یوسف/۵۳)؛ به‌عبارت دقیق‌تر، نقطه ثقل جرم و گناه (که هر دو به نوعی نافرمانی هستند)، نفس اماره افراد جامعه است، آن هم بی‌افسار بودن، بی‌حد و حدود بودن و بی‌چارچوب بودن نفس. با توجه به همین نکته بسیار مهم، چنانچه نفس انسان به‌دنبال مال‌اندوزی و کسب ثروت روزافزون باشد، این موضوع به غفلت در وجود او منجر خواهد شد؛ غفلتی که ناشی از همین زیاده‌خواهی ثروت در او بوده و منجر به انحطاط اخلاقی در وی می‌شود (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴: ۹۳)؛ در نتیجه، نخست: هیچ‌گاه این مسیر را برای او، نقطه پایانی نیست؛ دوماً: در راه رسیدن به مقصود خویش، چنانچه امکانات را محدود ببیند، از شکستن خطوط قرمز هیچ ابایی نخواهد داشت؛ و اینجاست که حرکت در مسیر ارتکاب جرم و انواع انحرافات اقتصادی در فضای اقتصادی جامعه، بروز و ظهور می‌یابد. از این رو همان‌طور که

اقتصادی شده است، می‌بایست به‌منظور کاهش اساسی انحرافات مالی و جرایم اقتصادی، در راستای اجرای سیاست‌های پیشگیرانه جامعه‌مدار نسبت به این‌گونه جرایم، با شناسایی دقیق مدل اقتصاد اسلامی تبیین شده در قرآن، اقدام به اصلاح بنیادین اقتصاد ایران، براساس اصول و اهداف این مدل نمود. حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر آنچه که در حال حاضر در سطح ایران به‌عنوان اقتصاد اسلامی در حال اجراست، اقتصاد اسلامی نیست! پس اقتصاد اسلامی چیست؟

۳-۲- مفهوم اقتصاد از منظر قرآن کریم

امروزه یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل در زندگی روزمره انسان‌ها، مسأله اقتصاد است و اقتصاد، نقشی بسیار مهم و اساسی در زندگی بشری ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت که رگ حیات کشورهای پیشرفته و مدرن در قرن حاضر، اقتصاد آن‌هاست. همچنین کارشناسان مختلف چنین معتقدند که توسعه اقتصادی نسبتی مستقیم با پیشرفت و توسعه جوامع و کشورهای مختلف دارد. بنابراین ما باید به‌دنبال مدلی در اقتصاد باشیم که نه تنها پیشرفت و توسعه پایدار در آن باشد، بلکه رشد و تعالی بشری و سیاست‌های پیشگیرانه از جرایم اقتصادی و در نهایت امنیت اجتماعی نیز، درون آن باشد و بلکه این موضوعات از درون آن بجوشد. در همین زمینه، با توجه به آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که اسلام، نه تنها از این موضوع غافل نبوده، بلکه نگرش خاصی را در این خصوص تبیین و به جامعه بشری عرضه کرده است. اساسی‌ترین آیه در مورد تبیین مدل اقتصاد اسلامی آیه ۹۶ سوره اعراف است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶) و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم. خداوند متعال در این آیه شریفه، هدف و مسیر اقتصاد اسلامی را تبیین می‌فرماید. وقتی مقداری دقیق‌تر به مفهومی که در این آیه شریفه مطرح شده است نگاه می‌کنیم، به‌نظر می‌رسد که این آیه بیانگر یک قانون الهی است؛ یعنی، خداوند متعال در این آیه، ابتدا قانونی الهی را مطرح می‌فرماید که این قانون دربردارنده عناصر و شرایط خاصی می‌باشد و

شاهد آن هستیم که در فضای اقتصادی کنونی، «مردم موفقیت شخصی را با ثروت و دارایی مادی می‌سنجند و بدیهی است که پول صرف خرید منزل، جواهرات، خودرو، تعطیلات و سایر نمایش‌های ثروت می‌شود و عدم امنیت فراگیر در چنین شرایطی می‌تواند به‌طور یکسان برای ثروتمند و فقیر انگیزه ارتکاب جرم ایجاد کند و بسیاری به این اعتقاد می‌رسند که رد کردن هرگونه فرصتی، چه قانونی و چه غیرقانونی، دور از درایت است» (صفاری، ۱۳۸۹: ۷۱۷). در واقع، محصول چنین نگاهی در اقتصاد کنونی، همان چیزی است که هم اکنون در جامعه جهانی و حتی در کشور خودمان شاهد آن هستیم؛ یعنی «کسب مال و ثروت به هر قیمت و از هر طریقی» اعم از دروغ گفتن، تدلیس در معاملات، کم‌فروشی، ربا و رباخواری، رقابت برای اعطای بهره و سود بیشتر سپرده‌ها در بانک‌ها و در مرتبه‌ای شدیدتر ارتکاب انواع جرایم اقتصادی توسط یقه‌سفیدان از جمله صاحبان قدرت (وایت، ۱۳۸۳: ۲۱۲) و جرایم علیه اموال توسط برخی دیگر از افراد جامعه.

آیا وقتی آبی که از چمسه می‌جوشد، گندیده و بدبوست! نباید در پاکی و درستی سرچشمه آن تردید کرد؟ زمانی که محصول چنین اقتصادی، این وضعیتی است که در جامعه جهانی و حتی در کشور خودمان شاهد آن هستیم (یعنی شیوع حرام‌خواری و عدم توجه روزافزون افراد جامعه، به حلال یا حرام بودن مالی که افراد به‌دست می‌آورند)، و به‌تبع، روز به روز نرخ ارتکاب جرم افزایش می‌یابد (نوربها، ۱۳۸۸: ۷۵۴) نباید در سالم بودن ریشه‌های آن اقتصادی که به‌وجود آورنده چنین وضعیتی است، شک و تردید کنیم؟ به‌عبارت دیگر، در فضای اقتصادی موجود که از مدل اقتصاد غیراسلامی الگو گرفته است، شاهد آن هستیم که، اغلب افراد جامعه به هر وسیله‌ای که ممکن باشد (به‌خصوص طرق نامشروع)، به‌دنبال تحصیل مال و یا افزایش ثروت خویش هستند، غافل از اینکه چنین مال و ثروتی ممکن است حلال نباشد؛ و بدیهی است، مالی که حلال نباشد، برکتی هم نخواهد داشت؛ برعکس، اصول اقتصاد اسلامی و نتیجه آن، دقیقاً نقطه مقابل این ماجراست؛ یعنی با بررسی آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که مدل اقتصاد اسلامی و همچنین هدف و محصول آن، چیز دیگری بوده و با این وضعیتی که در جامعه ایران دیده می‌شود، بسیار متفاوت است. بنابراین، با توجه به اینکه از منظر جرم‌شناسی، نظام اقتصادی رایج، از جنبه‌های مختلف زیر سؤال بوده و موجب گسترش انواع مفسد مالی و

سپس در بخش انتهای آیه، ضمانت اجرای عمل نکردن به این قانون را بیان نموده است.

۳-۲-۱- روش و مسیر اقتصاد اسلامی

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه‌های اقتصاد اسلامی "ایمان به خدا" و "تقوای الهی" است؛ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»؛ اگر اهل شهرها، مؤمن بودند و فراتر از ایمان، با تقوی می‌شدند، ما درهای خیرات و برکات آسمان و زمین را به رویشان باز می‌کردیم.» با توجه به مفهوم این آیه، گسترش رزق حلال توأم با برکت در یک جامعه که بدون تردید حصول آن، به معنای کاهش ارتکاب بزه‌کاری اقتصادی نیز می‌باشد، از طریق ترویج ایمان به خدا و تقوای الهی در میان افراد آن جامعه حاصل می‌شود؛ به بیان دیگر، ترویج این رفتار و فرهنگ ناشی از آن، یعنی اینکه مردم یک جامعه برای کسب رزق حلال تلاش کنند، خود بهترین سیاست پیشگیرانه از جرایم اقتصادی است؛ زیرا در این صورت، حرام‌خواری (از طریق ارتکاب انحرافات و جرایم اقتصادی) جایگاه خود را در فکر و رفتار افراد جامعه از دست خواهد داد. فرهنگ تقوا را در این کشور رواج نمی‌دهیم؟ چرا این موضوع در اقتصاد کشور ما، یک رکن نیست؟ چرا در اقتصاد ما، تقوا نباید به عنوان یک پایه مطرح باشد؟

۳-۲-۲- هدف و محصول اقتصاد اسلامی

بر مبنای آیه ۹۶ سوره اعراف، ثمره اقتصاد اسلامی "رزق حلال، رزق طیب و برکت" است. به عبارت دیگر، اقتصاد چیزی است که محصولش رزق حلال و برکت باشد؛ به عبارت دیگر، نه تنها یکی از مهم‌ترین محصولات اقتصاد اسلامی چیزی با عنوان "رزق حلال" می‌باشد، بلکه فراتر از رزق حلال، چیزی است که از آن به عنوان "برکت" نام می‌بریم. بنابراین و با توجه به این مطلب، چنانچه رزقی که توسط افراد یک جامعه یا غالب افراد یک جامعه کسب می‌شود، حلال نباشد، آیا نمی‌توان نتیجه گرفت که در آن کشور یا اصلاً اقتصاد اسلامی اجرا نمی‌شود و یا اینکه نادرست اجرا می‌گردد؟ به بیان دیگر، اگر در کشور ما اقتصاد اسلامی به درستی اجرا می‌شد، هیچ وقت نباید با چیزی با عنوان انحرافات و جرایم اقتصادی روبه‌رو می‌شدیم؛ و اگر امروز در کشورمان با این‌گونه جرایم و انحرافات روبه‌رو هستیم. یکی از بهترین و ضروری‌ترین اقدامات در حوزه

پیشگیری جامعه‌مدار، اصلاح نظام اقتصادی‌مان با توجه به مدل اقتصاد اسلامی است.

۳-۲-۳- منبع اقتصاد اسلامی

طبق آیه ۹۶ سوره اعراف، منبع اقتصاد اسلامی، آسمان و زمین است؛ یعنی محل اصلی تأمین رزق و روزی انسان‌ها و برکت آن، آسمان‌ها و زمین می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر، خداوند متعال در حوزه اقتصادی، در این آیه، منبع اقتصاد را نامحدود دانسته و در این خصوص آسمان و زمین را به عنوان منبع معرفی می‌کند؛ آن هم به این صورت که منبع اصلی را آسمان و سپس زمین می‌داند؛ این موضوع بیانگر آن است که بر مبنای اقتصاد اسلامی، اگر کسی می‌خواهد به دنبال رزق (رزق بیشتر) باشد، ابتدا باید به آسمان و به سمت بالا توجه کند! و سپس معطوف به دنیا و منابع موجود در زمین شود؛ که خود این موضوع مهم قرآنی، یعنی اینکه انسان در عرصه اقتصادی، بیشتر توجهش به سمت بالا و آسمان باشد، نه نعمات مادی در زمین، یک سیاست بسیار در زمینه پیشگیری از بزه‌کاری اقتصادی است؛ این درحالی است که ما در تعریف و اصول اقتصاد کنونی، به صورتی کاملاً برعکس، فقط زمین را به عنوان منبع و بلکه تنها منبع اقتصاد دانسته و معرفی می‌کنیم؛ از این رو به صورت ضمنی توجه افراد را به سمت دنیا و نعمات مادی آن معطوف می‌نمائیم؛ غافل از اینکه روی انسان به هر سمتی باشد، به همان سمت حرکت می‌کند! توجه به دنیا، دنیاگرایی را در پی دارد و چون بخش قابل توجهی از لذت دنیا در پول و ثروت آن نهفته است، افرادی که غافل از آسمان، صرفاً متوجه دنیا شده‌اند، برای دستیابی به آن، از هیچ جرم و جنایتی فروگذار نخواهند بود.

۳-۲-۴- عناصر موجود در اقتصاد اسلامی

با توجه به آنچه گذشت می‌توان برخی عناصر اقتصاد اسلامی را استخراج کرده و سپس بررسی نمود؛ نکته جالب توجه این است که با نگاهی اجمالی به این عناصر، چیزی که بیش از همه جلب توجه می‌کند، این است که اقتصاد موجود، در تقابل مستقیم با اقتصاد اسلامی می‌باشد؛ عناصر اقتصاد اسلامی ارتباط مستقیم و بسیار بنیادین با مفاهیم و سیاست‌های پیشگیرانه از بزه‌کاری اقتصادی دارد؛ و برعکس عناصر و رویکرد اقتصاد رایج، به گونه‌ای است که افراد جامعه را به طور نامحسوس به سمت انحرافات و جرایم اقتصادی سوق می‌دهد.

۳-۲-۴-۱- خواسته‌های محدود

در اقتصاد اسلامی خواسته‌های افراد در یک چارچوبه خاصی دارای ارزش و اثر است و فراتر از آن نباید به آن خواسته‌ها توجه نموده و یا به آن خواسته‌ها ترتیب اثر داد. به عبارت دیگر، خواسته‌های افراد با دو قید بسیار مهم و اساسی یعنی ایمان و تقوا، محدود شده و خداوند متعال تنها به آن دسته از خواسته‌های انسان‌ها که در این چهارچوبه قرار داشته باشد، ترتیب اثر می‌دهد. در نتیجه به نظر می‌رسد که ما نیز می‌بایست در تبیین اصول اقتصاد اسلامی، به این دو قید توجه کرده و به منظور پیشگیری از جرایم اقتصادی، مدل اقتصادی خود را در فضای این دو شرط تبیین، طراحی و اجرا کنیم؛ در حالی که ظاهراً این موضوعات در اصول اقتصاد کنونی کشورمان هیچ جایگاهی ندارد.

۳-۲-۴-۲- منابع نامحدود

همان‌گونه که پیش از این نیز بیان شد، خداوند متعال در اقتصاد و جاری کردن رزق انسان‌ها، منبع را نامحدود معرفی می‌کند؛ که این موضوع نیز دقیقاً برعکس تصور اقتصاددانان است؛ همچنین خداوند ابتدا آسمان را به عنوان منبع معرفی می‌کند (نه زمین را)، در حالی که ما زمین را منبع اصلی و بلکه تنها منبع می‌دانیم؛ که البته این موضوع ناشی از فضای فکری مربوط به آن زمانی است که علم اقتصاد ایجاد و مطرح شد و همچنان تا به امروز موجودیت خود را در فکر اقتصاددانان حفظ کرده است؛ به عبارت دیگر، علمای اقتصاد زمین را دیدند و منبع پنداشتند! در حالی که خداوند متعال نخست آسمان (آن هم آسمانی که لایتنهای است!) و سپس زمین را به عنوان منبع معرفی می‌کند.

۳-۳- تقابل مستقیم دو مدل اقتصادی در زمینه پیشگیری از

جرایم اقتصادی

بر طبق آنچه گذشت، به وضوح آشکار می‌شود که اقتصاد موجود که ریشه در مدل اقتصاد آزاد در غرب دارد، با عنایت به نگاه پیشگیرانه از جرایم اقتصادی، در تقابل مستقیم با اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد؛ اقتصاد موجود معتقد است که در عرصه اقتصادی اصل بر آزادی است! و با توجه به اینکه خواسته‌های افراد نامحدود است! باید به دنبال راهی بود که با وجود محدودیت در منابع، این خواسته‌ها تأمین شود؛ در عین حال، لزوماً این مهم نیست که این راه و وسیله، مشروع باشد یا نامشروع! یعنی همان چیزی که در کشورهای سرمایه‌داری اجرا

می‌شود و متأسفانه مدتی است که همین نگاه در میان برخی افراد در ایران نیز طرفدار پیدا کرده است. در مدل اقتصادی موجود، هدف رشد و گسترش ثروت فرد و جامعه است و دولت نیز متأثر از اصول تبیین‌شده در این مدل اقتصادی (سرمایه‌داری)، صرفاً به حمایت می‌پردازد تا با تولید بیشتر توسط اشخاص (حقیقی یا حقوقی) در عرصه اقتصادی، کشور به توسعه اقتصادی بیشتری در حیطه ملی و جایگاه مناسب‌تری از جنبه فراملی دست یابد؛ دیگر مهم نیست که آنچه توسط اشخاص به دست می‌آید حلال باشد یا حرام! و در چنین اقتصادی رسیدن به مال و ثروت بیشتر و جایگاهی والاتر به لحاظ اقتصادی، هدف می‌باشد؛ معلوم است که در چنین فضای فکری‌ای در علم اقتصاد، صرفاً یافتن راهکارهایی که موجب ارضای خواسته‌های مالی و تمامی‌ناپذیر انسان باشد، هدف می‌شود! اگرچه آن مال و ثروت از طریق ربا، پول‌شویی، اختلاس، رشوه و سایر طرق نامشروع بوده و به طور حرام به دست آمده باشد؛ از این رو اشخاصی با ارتکاب انواع جرایم اقتصادی ولو در پوششی اجتماعی برای حصول چنین هدف پایان‌ناپذیری تلاش می‌کنند. ناگفته پیداست که ثمره چنین اقتصادی، گسترش مفاسد مالی و ارتکاب جرایم اقتصادی و رواج حرام‌خواری خواهد بود؛ در نتیجه هر چقدر هم که ما بیابیم، قانون و پروتکل و کنوانسیون‌های مختلف را در راستای تقبیح و پیشگیری از بزه‌کاری اقتصادی وضع کنیم، بی‌فایده خواهد بود؛ کما اینکه تا امروز بی‌فایده بوده است؛ زیرا به نظر می‌رسد که ریشه ماجرا، در نظام اقتصادی رایج در جهان نهفته است. در چنین شرایطی و بر پایه این دیدگاه، شاید بتوان گفت که بزه‌کار در مجرمیت خود، سهم زیادی ندارد و بیشتر قربانی برخی محیط‌ها، از جمله محیط‌های اجتماعی عمومی مانند سیاست‌های اقتصادی می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۵۷). آنچه که امروز شاهد آن هستیم، از یک طرف، خط قرمز نصب کردن از طریق علم حقوق و اجرای تدابیر پیشگیرانه جرم‌شناختی است؛ و از طرف دیگر، ترغیب و تحریک افراد جامعه (ولو به طور تلویحی) به شکستن خطوط قرمز، به منظور رسیدن به خواسته‌های نفسانی‌شان، با عنوان اقتصاد است؛ از این رو افراد جامعه، در اثر همین سیاست‌های نادرست اقتصادی و ورود لقمه حرام به زندگی‌شان، روز به روز بزه‌کارتر شده و جامعه را هم به تباهی بیشتر سوق می‌دهد؛ چراکه یکی از مهم‌ترین اثرات مال حرام، این است که در وجود افراد،

همچون آتشی می‌شود که نخست خود این‌گونه افراد و دوماً جامعه را از درون به آتش فساد و جنایت می‌کشد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که اگر امروز اقدام به اصلاح این مدل اقتصادی نکنیم، نسل‌های آینده بشری وحشی‌تر از داعشی‌ها، تکفیری‌ها و صهیونیست‌های امروز و بی‌بند و بارتر از مادی‌گرایان دنیاپرست، در کشورهای اروپایی و آمریکایی خواهند شد. زیرا براساس آنچه ذکر شد، اگر نگوئیم ارتکاب همه جرایم، لاقلاً به جرأت می‌توان گفت که وقوع بسیاری از انحرافات و جرایم مختلف اعم از اقتصادی و غیراقتصادی، ریشه در اقتصاد ناسالم و شیوع حرام‌خواری توسط افراد جامعه دارند. برعکس این مدل اقتصادی که ثمره آن ممکن است حرام باشد یا حلال، نظام اقتصاد اسلامی از همان ابتدا، با "حلال" شروع می‌شود؛ مدل اقتصاد اسلامی، یکی از ثمراتش، "برکت" است. مگر یک جامعه چه چیزی را از اقتصاد می‌خواهد و با اجرای سیاست‌های اقتصادی چه چیزی را جستجو می‌کند؟ مگر در عرصه اقتصادی ما در پی کسب نعمت نیستیم؟ آن هم نه فقط نعمت تنها، بلکه نعمتی که برکت هم درونش باشد؟ اقتصاد اسلامی انسان را به سوی "نعمت و رزقی که برکت داشته باشد" سوق می‌دهد. بنابراین و براساس آیه ۹۶ سوره اعراف، اگر ما می‌خواهیم اقتصاد اسلامی در جامعه ما رواج داشته باشد، و به تبع اجرای صحیح سیاست‌های آن، شاهد کاهش چشم‌گیر انواع انحرافات، مفاسد، تخلفات مالی و ارتکاب انواع جرایم علیه اموال (مثل به‌دست آوردن مال دیگری از طریق سرقت یا کلاهبرداری) و در مرحله‌ای پیچیده‌تر ارتکاب انواع جرایم اقتصادی (و به‌طور کلی تحصیل مال حرام) در کشورمان باشیم، راهش این است که طبق این فرمول قرآنی: بیائیم "ایمان و تقوا" را در جامعه زیاد کنیم. بدون تردید چنانچه افراد یک جامعه مسلح به سلاح ایمان به خدا و تقوای الهی شوند، خواهیم دید که آمار ارتکاب جرایم اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت؛ زیرا بر مبنای این مدل اقتصادی جز مال حلال تحصیل نخواهد شد و خداوند نیز برکتش را جاری خواهد کرد.

بنابراین، ترویج ایمان و تقوا، رکن رکین اقتصاد اسلامی است؛ یعنی از درون اقتصاد اسلامی باید تقوا مطرح شود و بلکه فراتر از آن باید در جامعه تقوا اعمال گردد؛ در چنین فضایی است که افراد به‌صورت خودجوش هرگز به سمت کسب مال حرام گرایش پیدا نمی‌کنند، چه برسد به اینکه برای تحصیل مال اقدام به ارتکاب جرم نمایند. اما در حال حاضر دعوت به تقوا،

چقدر در جامعه ما (در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی) نمود دارد؟ کسانی که دعوت به تقوا می‌کنند، خودشان چه بهره‌ای از تقوا دارند؟ و چقدر توان بهره رساندن دارند؟ برای نمونه بانکداری اسلامی ما چه قدر دعوت به ایمان و تقوا می‌کند؟ اصلاً در خود بانک‌ها و میان بانک‌داران و کارمندان آن‌ها چقدر این موضوع جریان دارد؟ محصول اقتصاد اسلامی، مال حلال توأم با برکت است و محصول حلال‌خواری توسط مردم دیدن برزخیات است، آن هم به‌عنوان حداقل. اما آیا هم‌اکنون رزقی که مردم جامعه ما به‌دست می‌آورند، حلال است؟ بدون تردید اگر ما اقتصاد اسلام را اجرا می‌کنیم، اگر غذائی که در جامعه است در اثر اقتصاد اسلامی ما حلال باشد؛ لاقلاً یک‌صدم مردم جامعه باید بتوانند برزخیات را ببینند. چند نفر در این جامعه چشم‌شان به برزخ باز شده است؟ چند نفر برزخ افراد را می‌بینند؟ همچنین در خصوص برکت، امروزه ما در کجای جمهوری اسلامی برکت را می‌بینیم؟ و حال آنکه اگر اقتصاد ما اسلامی باشد، خدا باید برکت را در سرتاسر کشور جاری کرده و گشایش بفرستد. پس چرا نه‌تنها گشایش نیست، بلکه در اقتصادمان با تورم روزافزون مواجهیم؟!

در چنین شرایطی آیا نمی‌توان چنین نتیجه گرفت که یک جای کار ما اشکال دارد؟ مگر نه اینکه ما باید تحقق اجرای صحیح اصول اقتصاد اسلامی را از نتیجه و محصول اجرای آن بفهمیم؟ پس براساس آنچه از آیات قرآن کریم ذکر شد، ثمره اقتصاد اسلامی، چه باید باشد؟ مگر نباید ثمره اقتصاد اسلامی، رزق حلال و طیب باشد؟ پس چرا ارتکاب جرایم مالی و اقتصادی هر روز بیشتر شده و تحصیل رزق حرام روز به روز در حال گسترش است؟ مگر نباید ثمره اقتصاد اسلامی، برکت باشد؟ پس چرا این نوع اقتصادی که ما داریم در جامعه رواج می‌دهیم نه‌تنها برکت ندارد، بلکه روز به روز جامعه دارد فقیرتر می‌شود؟ روز به روز تورم بیشتر می‌شود و این موضوع عملاً یعنی "زحمت زیاد و منفعت کم". چگونه می‌توان اسم چنین چیزی را برکت گذاشت؟ چرا در جامعه به‌جای برکت، مدام شاهد افزایش تورم هستیم؟ برای مثال، اگر فردی به قصد مشهد می‌خواهد حرکت کند و مسافران زیادی را نیز به‌همراه خود (به قصد رفتن به مشهد) در ماشینش سوار کند، اما پس از حرکت، مثلاً سر از اسلام شهر درآورند، آیا نباید چنین نتیجه بگیرند که مسیر را اشتباه حرکت کردند؟ در چنین شرایطی راننده نمی‌تواند بگوید که من ماشین تهیه کردم، پس ... ! خیر،

است یا برگرفته از آیه و حدیث. اما هم‌اکنون که چنین چیزی را به مرحله اجرا گذاشته‌ایم، به‌وضوح شاهد آن هستیم که جواب نداده و از این‌رو هرچه عمل می‌کنیم، کمتر می‌یابیم! اما چرا ماجرا این‌گونه می‌باشد؟ شاید بتوان چنین گفت به این دلیل است که ما در شناخت اصول اقتصاد اسلامی دچار اشتباه شده‌ایم. «از مهم‌ترین پایه‌های اقتصاد اسلامی تقواست» (مطلع فجر صادق، ۱۳۹۲)، چرا ما برای رشد روزافزون اقتصاد اسلامی فرهنگ تقوا را رواج ندهیم؟ چرا این موضوع بسیار اساسی و مهم در اقتصاد اسلامی ما، یک رکن نباشد؟ چرا در اقتصاد ما تقوا، به‌عنوان یک پایه مطرح نباشد؟ چه خوب است بیائیم و بنای اقتصادمان را بر تقوا بگذاریم؛ آن‌وقت به‌صورت عیان خواهیم دید که ثمره اقتصاد اسلامی چیست؟ آن‌وقت به‌صورت عیان مشاهده می‌کنیم که ثمره اقتصاد اسلامی "رزق حلال، رزق طیب و برکت" است. پرهیز از تحصیل مال حرام و به‌تبع عدم ارتکاب جرم یا به‌عنوان حداقل کاهش ارتکاب انواع جرایم اقتصادی می‌باشد. بنابراین و با توجه به آنچه گذشت، به‌نظر می‌رسد که راه اصلی پیشگیری از انواع انحراف‌ها، مفاسد مالی و جرایم اقتصادی، در فضای امروز کشور ما "اصلاح نظام اقتصادی ایران" باشد. به‌بیان دقیق‌تر، اساسی‌ترین راهکار قرآنی پیشگیری جامعه‌مدار از انحرافات و جرایم اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، "اصلاح نظام اقتصادی ایران در جهت اسلامی‌شدن" است؛ چراکه در اقتصاد اسلامی برخلاف اقتصاد آزاد و نظام‌های اقتصادی مبتنی بر این مدل اقتصادی، دو تفاوت ماهوی بسیار مهم وجود دارد. نخست، تفاوت در کسب درآمد حلال و دوم، نظارت درون‌زا در میان تک‌تک افراد جامعه؛ یعنی مدل اقتصاد اسلامی، از میان خواسته‌ها و گزینه‌های ممکن در جهت تحقق آن خواسته‌ها، صرفاً به موارد حلال آن توجه کرده و بها می‌دهد. به‌علاوه، اقتصاد اسلامی فراتر از قوانین مختلف جزائی، مدنی و ... در جامعه و ضمانت اجرا و جنبه بازدارندگی آن‌ها، به ایمان و اعتقاد و ارزیابی درونی مسلمان و مؤمن توجهی خاص دارد؛ چراکه یک انسان مسلمان، قبل، حین و در پایان هر کاری، باید عالم را محضر خدا بداند و بر این مبنا، فقط درآمدی برایش حلال بوده و مجاز به تصرف در آن خواهد بود که قابلیت انتساب به او را داشته و البته حق باشد؛ چراکه براساس نظام اقتصادی‌ای که او به آن معتقد است، اموالی که از طریق نامشروع و باطل به‌دست آمده، اصولاً پوچ و بی‌مبنا بوده و حرام محسوب می‌شوند. به هر حال،

هر ماشین تهیه کردنی که درست نیست. امروز به‌وضوح می‌توان دریافت که آن چیزی که به اسم اقتصاد اسلامی مطرح شده و دارد اجرا می‌شود، نه‌تنها کارآمد نیست، بلکه به‌دلایل مختلف موجب افزایش گرایش مردم به سمت مال و ثروت شده، هرچند که آن مال حرام باشد و از طرق نامشروع به‌دست آمده باشد. درحالی‌که از آیات قرآن، چنین برمی‌آید که از مهم‌ترین ثمرات اقتصاد اسلامی، "مضاعف شدن اموال حلال" است که در آن اموال "برکت" وجود دارد؛ به‌بیان دیگر، از ثمرات با ارزش اقتصاد اسلامی "برکت در اموال حلال" است. حال وقتی که چیزی به اسم اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود و با وجود تمام موضوعاتی که از درون قرآن و احادیث استخراج شده و بر آن اویخته شده است، نتیجه‌اش رکود می‌شود، نتیجه‌اش رواج روزافزون حرام‌خواری و شیوع انواع انحرافات و ارتکاب انواع جرایم اقتصادی، به قصد مال اندوزی و ثروت‌اندوزی‌های حرام می‌گردد، نباید یقین پیدا کرد که در یک چنین اقتصادی، همه چیز هست به‌جز آن موضوع اصلی، یعنی اقتصاد اسلامی؟ دقیقاً مثل یک جنازه که در نگاه ظاهری انسان‌ها این‌گونه دیده می‌شود که او همه چیز دارد، حتی همه آن چیزهایی که زیر میکروسکوپ دیده می‌شود، اما در نگاه باطنی او چه چیزی ندارد؟ آن جنازه همان عنصر اصلی یعنی روح را ندارد، یعنی همان اصلی‌ترین عنصر را ندارد. اقتصاد رایج در ایران نیز بسیار به این مثال نزدیک است، اگر کسی هم از سکون آن جنازه نفهمد که آن یک جنازه است پس از مدتی، از پوسیدگی آن و بوی ناخوشایندی که ناشی از این ماجراست، متوجه مرده بودن آن فرد می‌شود. درحال حاضر، گرایش به سمت مال‌اندوزی‌های حرام و ارتکاب روزافزون جرایم اقتصادی، برای به‌دست آوردن ثروت‌های آنچنانی، آیا نمی‌تواند به این معنا باشد که ما یک‌سری از قوانین فرعی اقتصادی را جمع‌آوری کرده‌ایم، اما از آن عناصر اصلی در حوزه اقتصاد اسلامی غفلت نموده‌ایم؟ در جامعه چنین می‌گوئیم که اقتصادمان اسلامی می‌باشد و روش استخراج آن هم این است که اساتید حوزه و دانشگاه می‌نشینند قوانین بانکی، قوانین بیمه، قوانین تجارت و سایر قوانین مرتبط مختلف را جمع‌آوری کرده و سپس استنباط می‌کنند و در نهایت چنین می‌گویند که این نظام اقتصاد اسلامی است که از داخل قرآن و حدیث استخراج کردیم؛ و سپس چنین استدلال می‌کنند که آنچه به عنوان اقتصاد اسلامی مطرح کرده‌اند، سراسر و تماماً یا آیه و حدیث

پیشگیری اجتماعی از جرم به دو صورت اعمال می‌شود: ۱- پیشگیری جامعه‌مدار؛ ۲- پیشگیری رشدمدار. پیشگیری جامعه‌مدار به معنای انجام اقداماتی نسبت به افراد بزرگسال، در درون فضای جامعه می‌باشد، به نحوی که فکر ارتکاب جرم هم در ذهن آن‌ها ایجاد نشود که این موضوع نخست نیاز به شناسایی علل جرم‌زا در فضای اجتماعی، اقتصادی و ... دارد و دوماً اقدام به اصلاح چنین ساختارهایی در سطح کلان جامعه که نتیجه آن، جلوگیری از بروز فکر و تصمیم مجرمانه در ذهن افراد باشد.

۵- جرم اقتصادی

حدود چند سالی است که اصطلاح جرم اقتصادی وارد ادبیات حقوقی ایران شده است. اگرچه جرم اقتصادی در نظام‌های مختلف اقتصادی، معنا و مفهوم متفاوتی پیدا می‌کند، ولی همانند برخی دیگر از اصطلاحات جرم‌شناسی، درخصوص این اصطلاح نیز نه‌تنها تاکنون توسط حقوقدانان و جرم‌شناسان، تعریف جامعی ارائه نشده، بلکه در عرصه قانونی نیز هنوز تعریف قانونی مشخص و خاصی از آن مطرح نشده است؛ در نتیجه، به نظر می‌رسد که درخصوص این موضوع، ما با خلأ قانونی روبه‌رو هستیم. اخیراً در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار ایران، این اصطلاح را در بند ج ماده ۴۷ و همچنین در بند ب ماده ۱۱۹، عیناً به کار برده است؛ که این موضوع، حداقل بیانگر به رسمیت شناختن این گونه جرایم در ادبیات حقوقی ایران، توسط قانون‌گذار کشورمان می‌باشد؛ به علاوه، قانون‌گذار ایران، بدون ارائه ملاک و معیار مشخصی در ماده ۳۶ قانون جدید مجازات اسلامی، برخی مصادیق جرایم اقتصادی را مشخص کرده و چنین می‌گوید که این جرایم، شامل مواردی همچون کلاهبرداری، رشو و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ، مداخله وزرا و نمایندگان و کارمندان دولت در معاملات دولتی، تبانی در معاملات خارجی، جرایم گمرکی، قاچاق کالا، جرایم مالیاتی، پول‌شویی و اختلال در نظام اقتصادی است. البته با وجود این خلأ قانونی، درخصوص تبیین ماهیت جرایم اقتصادی در حقوق ایران، گاهی تعاریف خاصی که توسط برخی حقوقدانان داخلی نسبت به این گونه جرایم مطرح شده است، به چشم می‌خورد؛ برای مثال، برخی حقوقدانان معتقدند، جرایم اقتصادی در اصطلاح عبارت‌اند از، آن دسته از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل، موجب اختلال در نظام

به نظر می‌رسد که شناسایی و اجرای دقیق مدل اقتصاد اسلامی، یکی از اصلی‌ترین راهکارهای پیشگیری اجتماعی از جرایم اقتصادی از منظر قرآن کریم باشد؛ به طوری که از درون این مدل، تقوا مطرح شود؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، از مهم‌ترین ارکان اقتصاد اسلامی ترویج ایمان و تقوا در جامعه است؛ یعنی از این طرف ما به عنوان وظیفه خویش، باید در جامعه "ایمان و تقوا" را رواج دهیم، و از آن طرف هم، خداوند متعال "رزق حلال" و فراتر از آن "برکت" را برای افراد و جامعه جاری می‌کند. در این خصوص، اگرچه مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه باید وظیفه خود در راستای پیشگیری از انواع جرایم اقتصادی را انجام دهد، ولی به نظر می‌رسد تحقق این موضوع عزم جدی تمامی قوا (کلاتری، ۱۳۸۹: ۸۵۲) و بلکه تک‌تک افراد جامعه را می‌طلبد و لازم است به پیشگیری از انحرافات و جرایم اقتصادی و به‌طور کلی پیشگیری از جرم با رویکردی اجتماعی، اجرایی و انسانی نگریسته شود و برای جلوگیری از وقوع این‌گونه جرایم، از تدابیر کنشی بهره گرفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۲۲۱۸).

۴- پیشگیری جامعه‌مدار

پیشگیری جامعه‌مدار، یکی از صورت‌های اعمال پیشگیری اجتماعی از جرم است؛ به عبارت دیگر، پیشگیری از جرم انواعی دارد که یکی از انواع آن، پیشگیری اجتماعی از جرم می‌باشد؛ این نوع پیشگیری، از مجموعه اقداماتی تشکیل می‌شود که بر انواع محیط‌های پیرامونی افراد تأثیر می‌گذارد؛ چراکه تمامی این محیط‌ها، در فرایند جامعه‌پذیری فرد نقش داشته و دارای کارکردهای اجتماعی است. هریک از محیط‌های خانه، مدرسه، دانشگاه، دوستان، هم‌سالان و ... در یک دوره خاص زمانی، بر فرد اثرات مستقیم داشته و در واقع فرایند جامعه‌پذیری را تسهیل می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۰). از این رو در پیشگیری اجتماعی، ما به دنبال ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی هستیم که نتیجه آن، اصلاح جامعه و فرد بوده و در نهایت، منجر به جلوگیری پایدار از جرم می‌شود. به عبارت دیگر، در پیشگیری اجتماعی، علل و عوامل جرم‌زا، اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد؛ و هدف این نوع از پیشگیری آن است که از بروز فکر و تصمیم مجرمانه در ذهن افراد جلوگیری کرده و مجرمان بالفعل و بالقوه را از خطاهای آتی منصرف کند (رجبی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

اقتصادی کشور می‌گردند (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱)؛ در واقع این دسته از حقوقدانان، جرایم اقتصادی را براساس هدف و نتیجه حاصله از ارتکاب این‌گونه جرایم تعریف کرده و بر این اعتقادند که جرایم اقتصادی، علیه کلیت جامعه و اختلال در نظم اقتصادی کشور ارتکاب می‌یابد. برخی دیگر از جرم‌شناسان و حقوقدانان کیفری نیز، جرم اقتصادی را عبارت از اقدام مستقیم یا غیرمستقیم علیه چرخه نظام اقتصادی، یعنی تولید، توزیع، مصرف و حمل‌ونقل می‌دانند. درحالی‌که، جرایم علیه اموال و مالکیت، جنبه شخصی داشته و در واقع، مشتمل بر نقض حقوق مالکانه اشخاص بوده و علیه خود مال ارتکاب می‌یابند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۳۹). البته با توجه به ذکر جرایمی چون کلاهبرداری و اختلاس در ماده ۳۶ قانون جدید مجازات، می‌توان دریافت که از نظر قانون‌گذار ایران، جرایم علیه اموال و مالکیت نیز در واقع نوعی از جرایم اقتصادی بوده یا حداقل در شرایط خاصی، مشمول عنوان جرایم اقتصادی قرار می‌گیرند. به‌عبارت دیگر، احتمالاً قانون‌گذار ایران، درخصوص ماهیت جرایم اقتصادی، پیرو نظر برخی حقوقدانان، همچون بچر (حقوقدان سوئیسی) می‌باشد و بر همین اساس، جرم اقتصادی را «مجموعه جرایم علیه اموال می‌داند که بدون خشونت، لیکن همراه با تزویر و فریب یا سوءاستفاده از موقعیت، قدرت یا قدرت نفوذ و تأثیرگذاری و با هدف کسب یک منفعت ارتکاب می‌یابد» (ساک، ۱۳۸۹: ۵۹).

نتیجه‌گیری

بر مبنای آیات قرآن کریم، می‌توان تدابیری را برای پیاده‌سازی در فضای جامعه به‌منظور پیشگیری از جرایم اقتصادی، شناسایی کرد. ضمن اینکه به‌طورکلی، تمرکز بر پیشگیری کنشی به‌جای تدابیر واکنشی، مهم‌ترین مشخصه این‌گونه سیاست‌های پیشگیرانه از جرایم اقتصادی بر مبنای قرآن کریم می‌باشد. در این زمینه، منظرهایی که بر مبنای بینش قرآنی در زمینه علت‌شناسی و روش‌های پیشگیرانه وجود دارد، نگاه‌هایی کلان و بسیار کاربردی است. برای نمونه، در زمینه علل ارتکاب جرم توسط برخی افراد جامعه و چگونگی بروز و ظهور چنین رفتارهایی، قرآن کریم، مفهومی بسیار راه‌گشا و کامل را معرفی می‌کند؛ به‌طوری‌که فهم دقیق مفهوم واژه مدنظر، نه‌تنها تمامی تحلیل‌های جرم‌شناسانه در حوزه علت‌یابی و چرایی ارتکاب جرم در جامعه را پوشش می‌دهد، بلکه بسیاری از مباحثی که در کلام هیچ دانشمندی در این حوزه، دیده نمی‌شود را برای

انسان آشکار می‌نماید. برای مثال، در جرم‌شناسی، به‌منظور مدیریت مناسب در جهت مهار بزه‌کاری، اقدام به تحلیل علل ارتکاب جرم کرده و به‌طورکلی عوامل جرم‌زا را در قالب عوامل فردی، اجتماعی و محیط فیزیکی بررسی و تحلیل می‌کنند، درحالی‌که قرآن کریم، تمامی این موارد و بسیاری عوامل دیگر که در زمینه شکل‌گیری شخصیت افراد جامعه مؤثر می‌باشد را ذیل یک واژه بسیار شامل یعنی شاکله معرفی و تبیین می‌کند. توجه به مفهوم شاکله و تلاش در جهت شناسایی عناصر آن، به‌خصوص در زمینه فهم چرایی بروز و ظهور رفتارهای مجرمانه در فضای اجتماعی بسیار اهمیت دارد، به‌طوری‌که تحلیل دقیق بسیاری از رفتارهای مجرمانه، به‌ویژه بررسی رفتارهای مجرمان اقتصادی، در گرو شناسایی دقیق همین عناصر می‌باشد که ممکن است جنبه درونی یا بیرونی داشته باشد. ازجمله عناصر درونی اثرگذار بر شخصیت مجرمان اقتصادی، افکار، روحیات و امیال آن‌ها می‌باشد، که ریشه این ماجرا توجه شدید آن‌ها به دنیا و مظاهر آن (رو به دنیا بودن آن‌ها) و غفلت از آخرت است. علاوه‌بر این‌ها، مهم‌ترین عنصری که با اثرگذاری در شاکله این افراد، در تداوم یا تشدید فرایند بزه‌کاری آن‌ها یا فرزندان و نسل شان در آینده، تأثیری چشم‌گیر دارد، اثرات روحی- روانی ناشی از مال حرامی است که به‌واسطه ارتکاب جرم، تحصیل می‌شود. همچنین در زمینه عناصر بیرونی، گذشته از تأثیر برخی موضوعات در شاکله مجرمان اقتصادی، مانند محیط خانه و فضای خانواده، شرایط زندگی و تربیت فرد، محیط کار و رفتار دوستان و همکاران فرد در محیط کار، از مهم‌ترین عناصر اجتماعی، محیطی و بیرونی اثرگذار بر شخصیت یا نفس این قبیل مجرمان، موجودی در اطراف آن‌ها تحت عنوان شیطان است که به‌صورت گام به گام، به‌واسطه برخی موضوعات به ایجاد یا تقویت صفات مجرمانه در این افراد دامن می‌زند؛ که از مهم‌ترین آن‌ها، مشارکت در اموال حرام این افراد است که به‌واسطه آن، فساد و تباهی روزافزون آن‌ها را تسهیل می‌کند. ازاین‌رو از بهترین اقدامات پیشگیرانه جامعه‌مدار در این زمینه، به‌منظور پیشگیری کلان از وقوع انحرافات و جرایم اقتصادی، اقدام در جهت اصلاح لقمه‌های حرام در فضای جامعه است؛ و بهترین راهکار اجرایی در این حوزه، شناسایی و پیاده‌سازی دقیق و صحیح سیاست‌های مدل اقتصاد اسلامی بر مبنای آیات قرآن کریم می‌باشد. ضمن اینکه علاوه‌بر جریان دائمی و مستمر مفاهیم

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ایمانی، عباس (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری. تهران: نشر آریان.

- بابایی، محمد (۱۳۸۸). کنش‌گری جرم. تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.

- رجبی‌پور، محمود (۱۳۸۷). مبانی پیشگیری اجتماعی از بزه‌کاری اطفال و نوجوانان. تهران: نشر منتهی.

- ساکی، محمدرضا (۱۳۸۹). حقوق کیفری اقتصادی. تهران: انتشارات جنگل.

- صفاری، علی (۱۳۹۱). تبیین جرم یقه سپید. یادنامه شادروان نوربها، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۶.

- عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۴). قرآن و اقتصاد. مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه، مشهد: چاپ دقت.

- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۲). کلیات علم اقتصاد. تهران: نشر سپهر.

- کلاتتری، کیومرث (۱۳۹۱). سازوکارهای سیاست جنایی کاربردی در ایران. یادنامه شادروان نوربها، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۶.

- گسن، رمون (۱۳۸۹). جرم‌شناسی بزه‌کاری اقتصادی، مترجم: شهرام ابراهیمی، تهران: نشر میزان.

ایمانی و تقوایی در فضای فکری جامعه، به‌منظور عمق بخشیدن به ایمانیات و تقواییات جامعه، لازم است که تدابیر مرتبط با فرهنگ‌سازی استفاده کنیم. به این معنا اقدامات و جریان‌های فکری فضا‌ساز حول دو مفهوم ایمان و تقوا را به‌صورت بادهایی پی‌درپی و با شبی می‌ماییم، به سمت فضای فکری عموم جامعه روانه کنیم؛ و متوجه باشیم که هرچند این بادهای فکری می‌آید و می‌رود، ولی اثراتی از آن در وجود افراد جامعه، ته‌نشین و ماندگار شده و در آینده فرهنگ جامعه را شکل خواهد داد. علاوه بر موارد مذکور، فضا‌سازی‌های ایمانی و تقوایی در حوزه پیشگیری موقعیت‌مدار از انحرافات و جرایم اقتصادی و کنترل اینگونه رفتارهای مجرمانه نیز، بسیار راه‌گشا بوده و کاربردی می‌باشد؛ که از جمله آنها، می‌توان به تدارک سازوکارهای نظارت تصویری (دوربین‌های مداربسته) و سیستمی (نظارت‌های سیستمی در بانک‌ها، علامت‌گذاری و کدگذاری اشیاء و اموال، Gps و...)، و همچنین برخی تدابیر مراقبتی با به‌کارگیری افراد (مانند نگهبان، سرایدار و...) یا اشیاء (قفل، حصار، دیوار، درب، سیستم‌های الکترونیکی کنترل ورودی‌ها و...) اشاره کرد.

۱- تلاش در جهت بازشناسی دقیق اصول اقتصاد اسلامی بر مبنای قرآن کریم و تدارک سازوکارهای پیاده‌سازی آن توسط تیمی از نخبگان فکری محققان حوزه و دانشگاه.

۲- تأکید بر انجام تحقیق به‌منظور شناسایی دقیق، ملموس و علمی نسبت به اثرات مخرب مال حرام در وجود افراد جامعه.

۳- تأکید بر ورود ارگان‌های آموزشی از جمله آموزش و پرورش و صدا و سیما جمهوری اسلامی، در زمینه آگاهی‌بخشی افراد نسبت به اثرات مال حرام و ارائه آموزش‌های لازم به والدین در این زمینه پیش از فرزندآوری.

۴- توسل به سازوکارهای محلی و غیرمتمرکز.

۵- سرمایه‌گذاری در زمینه تولید آثار رسانه‌ای و هنری در جهت فضا‌سازی فکری حول مفاهیم ایمانی و تقوایی.

۶. اولویت‌دادن به رویکرد مشارکتی و جلب همکاری سازمان‌ها و احزاب مختلف.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۸). جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰). مباحثی در علوم جنایی. تقریرات درس جرم‌شناسی مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد، تهیه و تنظیم: محمدعلی بابایی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم (علوم جنایی مجموعه مقالات) انتشارات سمت.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹). پیشگیری از جرم: از آموزه‌های جرم‌شناختی تا قانون‌گذاری جرم‌شناختی، مجموعه سخنرانی‌های همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، جلد اول.

- نخعی‌آغمیونی، منیژه و نجارزاده، رضا (۱۳۸۲). واژه‌های کلیدی اقتصاد خرد و کلان. تهران: شرکت نشر و چاپ بازرگانی وابسته به مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

- نرم‌افزار مؤسسه فرهنگی مطلع فجر صادق (۱۳۹۲). نرم‌افزار رزق حلال.

- نوربها، رضا (۱۳۸۸). در کوچه پس کوچه‌های تفکر. (تازه‌های علوم جنایی مجموعه مقاله‌ها)، علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.

- وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۳). جرم و جرم‌شناسی، ترجمه: علی سلیمی، چاپ اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

ب. سایت

- <http://farsi.khamenei.ir/message-content3062>.



Investigating the Implementation of Islamic Economic Measures and Community-Based Prevention of Economic Crimes

Rostam Aliakbari*¹, Yaser Shakeri²

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.

2. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-16

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: rostamaliakbari.phd@gmail.com

Article history:

Received: 05 Oct 2021

Revised: 10 Nov 2021

Accepted: 12 Dec 2021

Published online: 21 Mar 2022

Keywords:

Islamic Economics, Economic Crimes, Situational Prevention, Preventive Measures.

ABSTRACT

Crime prevention is the best program that governments can design and implement to reduce the crime rate; The application of preventive policies in the serious fight against such crimes is of particular importance and necessity; Undoubtedly, one of the most important and best ways to fight against financial deviations and economic crimes at various levels is to adopt measures and policies to prevent the occurrence of such crimes and corruption; In other words, preventing the occurrence of deviations and committing economic crimes takes precedence over fighting the perpetrators. The need to implement Islamic economic policies and recognize its principles based on the Holy Qur'an Yesterday, today and tomorrow of a society, in the field of macro crime prevention policies, under the title of grounding, atmosphere and Quranic culture, are other basic findings in order to prevent economic crimes in the present study; Finally, by expressing a conceptual perspective and reasoning on the two issues of faith and piety, some of the mechanisms of situational prevention of economic crimes are examined. The research method of the present study is applied in terms of objectives and in terms of the nature of descriptive-analytical study using the documentary method.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Aliakbari, R & Shakeri, Y (2022). "Investigating the Implementation of Islamic Economic Measures and Community-Based Prevention of Economic Crimes". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(1): 1-16.